



چه کسانی در جنگ احد برای حفظ جان خود فرار کردند؟

زید بن وهب می گوید: به ابن مسعود گفتم: آیا، به جز علی(ع) و ابودجانه و سهل بن حنیف، همه در جنگ احد فرار کردند؟ گفت: همه فرار کردند به جز علی(ع).

زید بن وهب می گوید: به ابن مسعود گفتم: آیا، به جز علی(ع) و ابودجانه و سهل بن حنیف، همه در جنگ احد فرار کردند؟ گفت: همه فرار کردند به جز علی(ع).

به گزارش خبرنگار مهر، گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر برخی از پرتعدادترین سؤالاتی که توسط مردم از مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی پرسیده می شود را برای آگاهی مخاطبان ارائه می کند.

چرا فرشتگانی که در جنگ بدر به کمک پیامبر(ص) رفتند در جنگ احد به یاری مسلمین نیامدند؟ چرا به کمک امام حسن و امام حسین(ع) نرفتند؟

برای پاسخ به این پرسش تذکر نکاتی ضروری است:

۱. اصول و مقرراتی حاکم بر دنیا است که آن را یک نظام قانون مند، منسجم و هدف دار ساخته است.

براساس قانون فراگیر دنیا خداوند هر کس را که کوشش و فعالیت نماید، به نتیجه و ثمره کارش می رساند و این فرق نمی کند که آن شخص آدم درست کاری باشد یا بد کار یا این که آن عمل، کار پسندیده ای باشد یا ناپسند. بر این اساس می بینیم که تعداد بسیاری از پیامبران از جمله حضرت زکریا و یحیی، بلکه بر اساس روایتی از پیامبر اسلام، در یک روز چهل و سه پیامبر و صد و دوازده نفر از بندگان خدا که امر بمعروف و نهی از منکر می کردند، توسط بنی اسرائیل کشته شدند. خداوند در سوره بقره می فرماید: آیا هر گاه پیامبری با چیزی که مورد پسند شما نبود به سوی شما آمد، گردن کشی نمودید پس گروهی را تکذیب کردید و گروهی را کشتید. ۲

۲. بر اساس حکمت و مصالحی، گاهی خداوند متعال علت را بی اثر می سازد یا معلولی را بدون انتساب به علت متعارف به وجود می آورد؛ نظیر آتش که سوزاندن جزو ذاتش است در مورد ابراهیم(ع) سرد می شود و عیسی(ع) بدون پدر متولد می شود گرچه این مسائل خارج از نظام منسجم هستی نیست، بلکه در همان راستا قرار دارد، ولی یک استثنایی از قانون عادی طبیعی است که به صورت خارق العاده و معجزه رخ می دهد. بر همین اساس است زمانی که بنی اسرائیل تصمیم به قتل حضرت عیسی می گیرند خداوند یکی از دشمنانش را به شکل او در می آورد تا به جای ایشان کشته شود و حضرت عیسی(ع) را به آسمان می برد. ۳

۳. خداوند در قرآن می فرماید: «اگر خدا را یاری کنید خدا یاریتان می کند». ۴ این آیه مؤمنان را به جهاد تحریک می کند، و در صورتی که خدا را نصرت دهند، وعده یاریشان می دهد. منظور از «نصرت دادن خدا» جهاد در راه خدا و تنها به منظور تأیید دین او و اعتلای کلمه حق است، نه این که جهاد کنند تا در زمین سروری نمایند، و یا غنیمت به چنگ آورند، و یا شجاعت و هنر خود را نشان دهند. و مراد از این که فرمود: "خدا هم شما را یاری می کند"، این است که اسباب غلبه بر دشمن را برایتان فراهم می سازد؛ مثلاً ترسی از شما در دل کفار می اندازد، و امور را علیه کفار و به نفع شما جاری می کند و دل های شما را محکم و شجاع می سازد. ۵

۴. خداوند می فرماید: «اما توجه داشته باشید که آمدن فرشتگان به یاری شما، تنها برای تشویق و بشارت و اطمینان خاطر و تقویت روحیه شما است، و گرنه پیروزی تنها از ناحیه خداوندی است که بر همه چیز قادر و در همه کار حکیم است». ۶

با توجه به نکاتی که بیان شد پاسخ را در دو بخش حلی و نقضی ارائه می نماییم:

الف. جنگ بدر اولین تجربه جنگی مسلمانان بود که در تاریخ اسلام رخ داده است و با مذاقه قرار دادن این مطلب که اسلام نوپا از حساسیت فوق العاده ای برخوردار بود که در مقابلش عده ای بت پرست و مشرک عنود وجود داشتند که جز به اضمحلال و انهدام اسلام راضی نمی شدند، از این رو حمایت مستقیم مسلمانان از جانب خدا و فرشتگان امری ضروری به نظر می رسد.

می دانیم که در جنگ احد تعداد قابل توجهی از اصحاب پیامبر (ص) از دستور فرماندهی تخلف نمودند و از کوه رماط (جبل العینین) پایین آمدند که همین کار باعث حرکت و هجوم مجدد دشمنان و در نهایت شکست ظاهری مسلمانان و پیروزی دشمنان شد، اکنون پرسش ما این است، آیا در جنگ احد خداوند به کمک مسلمانان نیامد؟ آیا تا به حال به این اندیشیده اید که چرا احزاب و مشرکان بعد از پیروزی ظاهری، وارد مدینه نشدند؟ چرا به جست و جوی پیامبر نپرداختند و آن حضرت را پیدا نکردند؟ چرا کار اسلام و مسلمانان را یکسره نکردند؟ بلکه بعد از برگشتشان پیامبر با تعدادی از صحابه آنان را تعقیب نمودند که این واقعه به حمراء الاسد معروف شد.^۷

بنابر این ما بر این باوریم که در جنگ احد نیز مسلمانان از امدادهای غیبی نیز بی نصیب نماندند و خداوند در دل دشمنان آنان رعب و وحشتی ایجاد نمود که همین موجب برگشت و فرار آنها گردید.

در مورد امام حسن و امام حسین نیز باید توجه کنید که در مقابل ایشان و یاران آنان که تعدادشان بسیار اندک بود و واقعا حاضر بودند در رکاب آن حضرت به شهادت، گروهی به ظاهر مسلمان بودند، که مثل ائمه و اصحابشان نماز می خواندند و روزه می گرفتند... بر این اساس؛ اولاً: قرار نیست همه چیز با معجزه و امور خارق العاده پایان پذیرد. ثانیاً: دنیا محل امتحان است و باید هر دو گروه مورد امتحان و ابتلا قرار می گرفتند. علاوه بر این، بر اساس روایاتی، فرشتگان جهت کمک به امام حسین (ع) خدمت آن حضرت رسیدند، ولی ایشان نپذیرفتند.^۸ و چه بسا ما بارها در زندگی روزمره مان مورد امداد و کمک فرشتگان قرار گرفته باشیم، ولی توجه نکرده و آنان را مشاهده نکرده ایم.

نکته مهمی که باید به آن توجه ویژه نماییم این است که بر اساس تصریح آیه شریفه که در نکته چهارم به آن اشاره نمودیم این است که آمدن فرشتگان جهت یاری نمودن، تنها برای تشویق و بشارت و اطمینان خاطر و تقویت روحیه است، نه شمشیر به دست گرفتن و جنگیدن؛ یعنی این طور نیست که در گوشه ای بنشینیم و خدا را مأمور به جنگیدن نماییم همچنان که بنی اسرائیل چنین کردند و گفتند: ای موسی، هرگز ما در آن جا تا زمانی که آنها هستند ابداً وارد نمی شویم، پس ما این جا می نشینیم و تو به همراه پروردگارت بروید با آنها بجنگید. ^۹ بلکه هر جمعیتی خود عهده دار سرنوشت خویش است.

ب. حال سؤال ما از شما این است خداوندی که حضرت ابراهیم را از دست نمرودیان و حضرت عیسی را از دست بنی اسرائیل نجات داد، آیا این خداوند نمی توانست حضرت زکریا و یحیی را از دست هرودیس ستمگر و بقیه پیامبران را از دست بنی اسرائیل و دیگران نجات دهد؟!

با مروری اجمالی بر آنچه گذشت به این نتیجه می رسیم که معجزه گرچه خارج از نظام منسجم هستی نیست بلکه در همان راستا قرار دارد، ولی يك استثنایی از قانون عادی طبیعی است که به صورت خارق العاده رخ می دهد و این هم زمانی است که خداوند مصلحت بداند.

پی نوشتها:

۱ آل عمران، ۱۹۵، "فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَتَى لَا أَضِيعَ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ".

۲ بقره، ۸۷، "أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ".

۳ نساء، ۱۵۷، و گفتارشان که: "ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!" در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شك هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و قطعاً او را نکشتند

۴ محمد، ۷.

۵ طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۱۸، ص ۳۴۶ و ۳۴۷، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۶ آل عمران، ۱۲۶.

۷ أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، البجاوی، علی محمد، ج ۳، ص ۱۴۲۸،

۸ برای اطلاع بیشتر در این رابطه به نمایه "کمک جنیان و فرشتگان به امام حسین (ع) در روز عاشورا" شماره ۷۵۰۳ و نمایه "عدم جلوگیری خداوند از کشته شدن امام حسین" شماره ۷۶۰۵ مراجعه نمایید.

۹ مائده، ۲۴.

چه کسانی در جنگ احد برای حفظ جان خود فرار کردند؟

زید بن وهب می‌گوید: به ابن مسعود گفتم: آیا، به جز علی - علیه السلام - و ابودجانه و سهل بن حنیف، همه در جنگ احد فرار کردند؟ گفت: همه فرار کردند به جز علی - علیه السلام - و بعد، چهارده نفر برگشتند، عاصم بن ثابت و ابودجانه و مصعب بن عمیر و عبدالله بن جحش و شماس بن عثمان بن شریذ و مقداد و طلحه و سعد، و بقیه از انصار بودند.[۱]

مؤلف «مناقب آل ابی طالب» باز از «تاریخ طبری» و مغازی ابن اسحاق و اخبار ابی رافع و... نقل می‌کند: پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - کتیبه (گروهانی) ای را دید، (به علی - علیه السلام - اشاره کرد) و فرمود: علی! به آنها حمله کن! حمله کرد و جمع آنها را از هم پاشید، و عمرو بن عبدالله و جمعی کشته شدند. باز کتیبه دیگری را دید و فرمود: آنها را از من دور کن، باز حمله کرد و جمع آنها را از هم پاشید، و شیه بن مالک عامری را کشت... (ابن شهر آشوب می‌گوید: و در روایت ابی رافع آمده است: باز کتیبه دیگری را دید و فرمود: به آنها حمله کن، و او به آنها حمله برد و آنها را فراری داد، و هاشم بن امیه مخزومی را کشت. در اینجا جبرئیل عرض کرد: یا رسول الله! این حق مواسات (و از خود گذشتگی)، است. پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - هم فرمود: همانا او از من است و من از او.[۲]

و نیز از تفسیر قشیری و «تاریخ طبری» نقل می‌کند: انس بن نصر به نزد «عمر» و «طلحه» که در میان جمعی بودند رفت و گفت: چرا نشسته‌اید؟ گفتند: محمد پیامبر خدا کشته شد! گفت: پس زندگی بعد از او را برای چه می‌خواهید؟ به همان مرگی که او را پیش آمده شما هم بمیرید (یعنی برخیزید و بجنگید)، و خود برابر دشمنان رفت و جنگید تا کشته شد.[۳]

مؤلف فرازهایی از تاریخ اسلام از واقعه نقل می‌کند: روز احد، هشت نفر با پیامبر - صلی الله علیه و آله - تا سر حد بذل جان بیعت کردند، سه تن از مهاجر (علی - علیه السلام - و طلحه و زبیر) و پنج تن از انصار بودند، و جزاین هشت نفر همگی در لحظه خطرناک پا به فرار گذاردند.[۴]

برای آگاهی کامل‌تر از واقعه به تاریخ کامل ابن اثیر، «ج ۲، ص ۱۰۷ و سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۸۴ و مغازی واقعه، ج ۱، ص ۲۴۴ و... مراجعه کنید تا ماهیت و هویت پایمردان و نیز فراریان، و ثابت قدمان و کسانی که آیات کریمه قرآن به نکوهش ایشان پرداخته، پی پرده و مجامله آشکار گردد.

نکته مهمی از این داستان در مطالب کلامی و اعتقادی قابل استفاده است، و آن نقض نظریه عدالت تمام صحابه و تأیید تمام رفتار ایشان از منظر قرآن و پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات مصطفوی، قم، ج ۳، ص ۱۲۳.

۲. استاد سبحانی، فرازهایی از تاریخ اسلام، ص ۲۷۹.

پی نوشتها:

[۱]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۲۳.

[۲]. همان، ص ۱۲۴.

[۳]. همان؛ و استاد سبحانی در فرازهایی از تاریخ اسلام، این جریان را از سیره ابن هشام با تفصیل بیشتر آورده است. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ اسلام، نشر مشعر، ۱۳۷۵ش، ص ۲۷۹.

عوامل شکست مسلمانان در جنگ احد چه بوده است؟ و کدام آیات به آن اشاره دارند؟

آیاتی که اشاره به جنگ احد دارد، آیات ۱۳۹ - ۱۴۳، ۱۵۲ - ۱۵۴ و ۱۶۶ - ۱۶۷ از سوره مبارکه آل عمران است.

از مجموع آیات فوق [که هر کدام از آن ها پرده از روی یکی از اسرار شکست جنگ احد بر می دارد،] استفاده می شود عواملی که دست به دست هم دادند و این حادثه غم انگیز و در عین حال عبرت آور را به وجود آوردند امور زیر است:

۱. اشتباه محاسبه ای: بعضی از تازه مسلمانان که در درک مفاهیم اسلام ضعیف بودند، خیال می کردند تنها اظهار ایمان برای پیروزی کافی است؛ و بنابراین است که خداوند در تمام میدانهای جنگ به وسیله امدادهای غیبی از آن ها حمایت می کند. و به این ترتیب سنت الهی را در عوامل پیروزی طبیعی و انتخاب نقشه های صحیح و تهیه وسائل لازم به دست فراموشی سپردند تا عاملی برای شکست شود.

۲. نداشتن انضباط نظامی: مسلمانان در آغاز جنگ احد با اتحاد و شجاعت خاصی جنگیدند، و زود پیروز شدند، و لشکر دشمن از هم پراکنده شد، و موجی از شادی سراسر لشکر اسلام را فرا گرفت؛ ولی نافرمانی جمعی از تیراندازان که در شکاف کوه "عینین" به سرکردگی "عبدالله بن جبیر" می جنگیدند و رها کردن آن سنگر حساس، باعث شد که دشمن از پشت جبهه وارد شود و مسلمانان شکست بخورند.

۳. دنیا پرستی: آن چه سبب رها کردن دره "استراتژیک" گردید [که در مورد دوم به آن اشاره شد]، دنیاطلبی بود؛ که جمع آوری غنائم جنگی را بر تعقیب دشمن ترجیح دادند، و اسلحه بر زمین گذاشته، برای این که از دیگران عقب نیافتند، به تلاش پرداختند؛ و همین سهل انگاری عامل دیگری برای شکست بود.

۴. غرور ناشی از پیروزی: درخشندگی و پیروزی مسلمانان در جنگ بدر به قدری فوق العاده بود که مسلمانان فکر قدرت دشمن را از سر بیرون کرده بودند، و تجهیزات او را ناچیز می پنداشتند. و این روحیه که ناشی از غرور بود عاملی برای شکست به حساب می آید.

۵. اختلاف و شکاف در بین مسلمانان: از آیات فوق استفاده می شود، تیراندازان کوه عینین در ابتدا با هم برای رها کردن کوه یا ماندن، اختلاف کردند؛ و در نتیجه اکثر آن ها رها کردن را ترجیح دادند و به این وسیله شکاف ایجاد شد و اتحاد از بین رفت و باعث شکست گردید.

۶. نقش منافقان و متزلزلان؛ در جنگ احد سه گروه از مسلمان حضور داشتند: ۱. صابران، که تا آخر مردانه ایستادند ۲. متزلزلان، آن ها که در دل هایشان تزلزل و اضطراب پدید آمد و نتوانستند تا آخرین لحظه، استقامت کنند و راه فرار را پیش گرفتند؛ ۳. منافقان، که در اثناء راه، به بهانه های مختلف از شرکت در جنگ خودداری کردند.

گروه دوم و سوم هر کدام در شکست جنگ احد نقش داشتند. ۱

امام فخر رازی، در تفسیر کبیر در ذیل آیات مربوط به جنگ احد طی روایتی به نقل از حضرت علی (علیه السلام) و ایشان به نقل از حضرت فاطمه (علیها السلام) می نویسد: در هنگامه احد و پس از حمله مجدد قریش، خلیفه دوم تا سر کوه و خلیفه سوم تا مکانی که سه روز با میدان جنگ فاصله داشت گریختند. ۲

پی نوشت ها:

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۳، ص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ ص ۱۳۰ - ۱۳۵؛ ص ۱۶۴ - ۱۶۶، دارالکتب الاسلامیه.

۲. ر.ک: تفسیر کبیر، امام فخر رازی.

علت پیش آمدن جنگ احد چه بود؟

در سال سوم هجری، عوامل اطلاعاتی اسلام از حرکت ارتش قریش به قصد حمله به مسلمانان خبر آوردند و تأکید کردند که پیش روی سپاه قریش بیشتر به سوی مدینه و استقرار در دامنه کوه احد و وادی عقیق می باشد. نقطه یاد شده به خاطر نبودن نخلستان و هموار بودن زمین برای هر گونه فعالیت نظامی آماده بود و شهر مدینه از این ناحیه بیشتر ضربه پذیر بود. پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) شورای نظامی تشکیل داد و درباره شکل و شیوه دفاع با مسلمانان مشورت کرد. شورای نظامی به این نتیجه رسید که باید در خارج مدینه به مقابله با لشکر قریش بروند.

پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) پس از خواندن نماز جمعه با لشکر اسلام به سوی منطقه احد شرکت کرد. بامداد روز هفتم شوال سال سوم هجرت، نیروهای اسلام در برابر نیروی مهاجم و متجاوز قریش صف آرایی کردند، جنگ پس از موضع گیری و سامان یافتن دو لشکر به وسیله یکی از مشرکان و سپاه قریش آغاز شد.

سپاه اسلام پس از نبردی سخت می خواست طعم شیرین پیروزی را بچشد که به خاطر سرپیچی عده ای از سپاهیان اسلام و چشم داشت به غنائم و عجله کردن، پیروزی نکردن از دستورهایی پیامبر و فرماندهان جنگ به وسیله عده ای از سربازان اسلام که در موقعیت حساس و استراتژیک گماشته شده بودند، چیزی نگذشت که سربازان دشمن، سپاه اسلام را دور زدند و در حمله ای ناگهانی، ضربات سختی را بر پیکره سپاه اسلام وارد کردند و در نهایت بسیاری از سرداران سپاه اسلام به شهادت رسیدند و حتی پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) در این جنگ زخم های فراوانی را متحمل شد و عده ای از منافقان، شایعه قتل پیامبر (صلي الله عليه وآله) را منتشر کردند که همین امر سبب تزلزل بیشتر در میان مسلمانان شد. در این جنگ حضرت علی (علیه السلام) با فداکاری تمام همچون پروانه بر گرد پیامبر می چرخید و از آن حضرت دفاع می کرد و خود آن حضرت زخم هایی را به جان خرید.

قرآن کریم در سوره آل عمران، آیات ۱۳۹ - ۱۴۳ - ۱۵۲ - ۱۵۴ و ۱۶۶ - ۱۶۷ به ماجرای جنگ احد اشاره کرده می فرماید: "ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين * ان یمسسكم قرحٌ فقد مس القوم قرحٌ مثله وتلك الايامُ نداولها بین الناس ولیعلم الله الذین ءامنوا ویتخذ منكم شهداء والله لا یحب الظالمین (آل عمران، ۱۳۹ - ۱۴۰)؛ و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید، اگر [در میدان احد] به شما جراحتی رسید [و ضربه ای وارد شد] به آن جمعیت نیز [در میدان بدر] جراحتی همانند آن وارد گردید و ما این روزها [پیروزی و شکست] را در میان مردم می گردانیم [و این خاصیت زندگی دنیاست] تا خدا افرادی را که ایمان آورده اند بداند [و شناخته شوند] و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد و خدا ظالمان را دوست نمی دارد." ۱

پی نوشتها:

۱. ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ج ۴، ص ۵۸، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.